



دامپروری جونتان چهارمحال وبختیاری به سرنوشت ماشین سازی، هفت تپه و... دچار نشد

## آزادسازی جونتان از دست خصوصی سازی رانتهی

فراگیر و قریب به اتفاق کارگران شرکت‌هایی است که سال‌ها ذیل مدیریت دولتی تولیدات گسترده داشته‌اند و با مشکلات اینچنینی مواجه نبوده‌اند. در آخرین نمونه هم واگذاری یکی از شرکت‌های کشتارگاهی کشور با دستور رئیس قوه قضائیه باطل شد تا روند رسیدگی به این واگذاری‌های افسارگسیخته و پر ابهام مسیر رو به جلوی خود را حفظ کند. به همین بهانه بد نیست ابتدا مرور کوتاهی به چند پرونده واگذاری بی‌ضابطه و فشل و پرحاشیه صنایع در کشور داشته باشیم و بعد به این پرونده آخر برسیم.

دارند، اما متأسفانه کارگران و مردم آنجا محتاج چندرغاز حقوق کارگری‌شان اند آن هم بعد ماه‌ها چشم‌انتظاری و اعتراض! خوزستان، چهارمحال وبختیاری، تبریز، اراک، قزوین و... به هر شکل آنقدر قافیه خصوصی سازی صنایع و منابع دولتی به تنگ آمد که بالاخره قوه قضائیه با کلی تاخیر به ماجرا ورود کرد و در مسیر حل بخشی از مشکلات کارگران تا امروز گام برداشته است. ابطال و در مسیر ابطال قرار دادن واگذاری تعدادی از این شرکت‌ها و صنایع دستاوردی است که ورود قوه قضائیه به ماجرا داشته است. خلع ید بخش خصوصی مطالبه

اصول و قانون نبوده و همین مساله سال‌هاست زندگی کارگران زیادی را در کشور با مشکلات جدی مواجه کرده است. حالا شما برآید صدوچند میلیونی و لابی‌های قدری و گوشت و مرغ دست‌نیافتنی‌شده را کنار بگذار، اینکه در این شرایط کارگران چندین ماه حقوق نگیرند، واقعا مایه تأسف است، آن هم در کشوری که هر گوشه‌اش ثروتی لایتناهی از منابع مختلف معدنی و صنعتی دارد. جالب‌تر اما آنکه بسیاری از این پروسه‌های ننگین واگذاری‌های صنایع دولتی به خصوصی‌ها، در مناطقی از کشور اتفاق می‌افتد که روی ثروت و سرمایه قرار

در این شرایط سخت اقتصادی است و محور دوم هم حضور پر ایراد و ابهام بخش خصوصی، یعنی هر توان و بنیه تولیدی و صنعتی عظیمی که در این کشور و سال‌ها زیر پوشش دولت در حال تولید بوده است و به هزاران کارگر و خانواده‌هایشان نان می‌رساند، سازمان خصوصی سازی وارد شده و آن را به برهوتی تبدیل کرده است که نگو! شخصا یاد ندارم در این چندسال خبرنگاری‌ام خبری را منتشر کرده باشم از واگذاری‌های موفق بخش دولتی و صنایع دولتی به بخش خصوصی، نه خروجی و مدیریت و نه حتی روند خصوصی سازی‌ها هیچ وقت منطبق با



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

هر گوشه کشور را که نگاه می‌اندازی، شمال و جنوب و شرق و غرب فرقی نمی‌کند، هرجایی عده‌ای کارگر و تعدادی فعال کارگری دست به اعتراض و تحصن زده‌اند. مشکلات هم حول دو محور اصلی است؛ محور اول مربوط به تعطیلی کارخانه، کاهش توان تولید و ماجرای تعویق حقوق و مزایای کارگران

### نیشکر هفت تپه

شرکت بیش از ۷۰ روز دست به تجمع و تحصن زدند تا اینکه بالاخره با ورود مجلس و برخی مسئولان جمع‌ات پایان یافت و قول‌هایی در مسیر پیگیری جدی مطالبات کارگران به آنها داده شد. امید اسدی‌بگی نفر اصلی و مدیرعامل متهم این شرکت است که مدت‌هاست دادگاه رسیدگی به تخلفات اقتصادی او در حال برگزاری است. خلع ید بخش خصوصی از شرکت، بازگشت شرکت به دولت، پرداخت معوقات، بیمه کارگران و... بخشی از اصلی‌ترین مطالباتی است که کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه دارند. طبق آخرین اقدامات صورت گرفته و بعد از ورود دیوان محاسبات کل کشور به مساله واگذاری هفت‌تپه، نتیجه تحقیق و تفحص این نهاد از این شرکت اعلام شد که براساس آن؛ «با توجه به بعدعی خریداران در ایفای تعهدات مندرج در قرارداد واگذاری، سازمان خصوصی سازی به استناد مقررات موضوعه و مفاد قرارداد منعقدۀ مکلف به فسخ قرارداد و تعیین تکلیف مجدد آن می‌باشد.»

کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه نخستین کشت و صنعت نیشکری کشور و ظرفیت اسمی آن تولید ۱۰۰ هزار تن شکر در سال است. ۶۰ درصد شکر تولیدی کشور از نیشکر است و خوزستان به عنوان مهد کشت این محصول کشور شناخته می‌شود. این شرکت با ۲۴ هزار هکتار وسعت زمین‌های کشاورزی و کارخانه و حدود پنج هزار و ۵۰۰ نفر نیروی رسمی، پیمانی، قراردادی و پیمانکاری در ۱۵ کیلومتری شهر شوش در شمال استان خوزستان واقع است. این شرکت هم با این گستره و این تعداد کارگر و حقوق‌بگیر از سال ۹۴ و ذیل پروسه واگذاری با مشکلات و مصائب متعددی مواجه شده است. به گفته کارگران این شرکت، بعد از سال ۹۴ واگذاری نیشکر هفت‌تپه به بخش خصوصی ماهی نبوده است که آنها حقوق‌شان را بدون دردرس، تجمع و تحصن دریافت کرده باشند. به همین منظر همواره در اخبار شاهد اعلام اعتراضات گسترده آنها بوده‌ایم. در آخرین دور از جمع‌ات، کارگران این

### ماشین سازی تبریز

این واگذاری همان و خوابیدن خرچ تولید و فعالیت ماشین سازی همان! بعد از این اتفاقات ابتدا به اتهامات قربانعلی فرخزاد توسط دستگاه قضاری رسیدگی شد و پس از آن نیز با سفر رئیس دستگاه قضا به استان آذربایجان شرقی و بازدید از این کارخانه روند رسیدگی به مشکلات و روبره‌شدن احوال ماشین سازی تسریع شد. منتها آنقدر این واگذاری‌ها بر پیکره عظیم این شرکت اثر گذاشته بود که نمی‌شد انتظار داشت به سرعت همه مشکلات حل شود. این همه طبق آخرین اخبار به گفته ناصر فرج‌زاده، مدیرعامل گروه ماشین سازی تبریز با پیشینه‌دو زبیر تعاون، کار و راه اجتماعی و تصویب هیات دولت گروه ماشین سازی تبریز تحت مالکیت وزارت تعاون، کار و راه اجتماعی قرار گرفت. بعد از این، یکشنبه ۱۶ شهریور سال جاری احمد علی‌رضاییگی در تذکر شفاهی خود در صحن مجلس گفت: «سرانجام با مبرات‌های بسیار مش قربانعلی از مالکیت ماشین سازی خلع و به اتهام اخلاص در نظام ارزی کشور راهی زندان شد.»

گروه ماشین سازی تبریز یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های شهر تبریز واقع در قراملک و اولین تولید کننده ماشین‌افزار در کشور است. شرکت ماشین سازی تبریز با بیش از ۵۰ سال سابقه تولید انواع ماشین‌های ابزار و ارائه مستمر خدمات پس از فروش در سطح کشور جزء کارخانه‌های قدیمی ایران محسوب می‌شود. شرکتی با چنین عظمت و قدمت بالا و قابل توجه ذیل مدیریت ناصحیح و واگذاری‌های شلخته و افسارگسیخته سال‌هاست با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه‌نرم می‌کند. ماشین سازی تبریز بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی چندبار توسط سازمان خصوصی‌سازی واگذار و بعد لیل عدم بررسی اهلیت خریدار توسط سازمان خصوصی سازی، پس از واگذاری با مشکلاتی مواجه شد. در آخرین مورد این واگذاری‌ها در سال ۹۷ سازمان خصوصی سازی این شرکت را به فردی به نام قربانعلی فرخزاد (معروف به مش قربانعلی) واگذار کرد که بعدها مشخص شد ۴۰۰ میلیون دلار ارز دولتی دریافت کرده و در بازار آزاد فروخته است.

### ماجرای کشتارگاه جونتان چهارمحال وبختیاری

پروژه‌های دولتی به بخش خصوصی پر از ابهام و شک و شبهه بوده و است. طبق اخبار و اطلاعات موجود از آنجا که قیمت و ارزش این پروژه چیزی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان برآورد شده بود، با قیمت نازل ۱۵ میلیارد تومان به بخش خصوصی واگذار شد تا مانند بسیاری از پروژه‌های دیگر از همان گام اول همه چیز با ابهام و ایراد آغاز شود. تیرماه سال گذشته عبدالرضا علی محمدی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان چهارمحال وبختیاری نسبت به این واگذاری و دغدغه نگرانی مردم نسبت به تضییع بیت‌المال در روند این واگذاری واکنش نشان داد و گفت: «واگذاری طرح کشتارگاه جونتان چهارمحال وبختیاری به بخش خصوصی پر از ابهام بوده و روند واگذاری این طرح توسط دادستانی مورد بررسی قرار گرفته است. قیمت این کشتارگاه حدود ۱۰۰ میلیارد تومان است، اما با قیمت ۱۵ میلیارد تومان به بخش خصوصی واگذار شده است. قیمت واگذاری حتی یک چهارم قیمت اصلی این واحد صنعتی نیست و این واحد صنعتی دولتی به قیمت بسیار پایین فروخته شده است. سازمان خصوصی سازی در استان نمایندگی ندارد، لذا سازمان خصوصی سازی کشور این اقدام را انجام داده است.» بعد از پیگیری‌های رسانه‌ای از سازمان جهاد کشاورزی استان، آنها نیز از این مساله شانه خالی کردند و مدعی شدند که تمامی

هیکو و آذرباک، کنتورسازی قزوین و چندین و چند شرکت قدیمی و با سابقه دیگر را هم می‌توان به صف قربانیان خصوصی سازی اضافه کرد؛ قربانیانی که هر کدام قبل از آن که سایه شوم سازمان خصوصی سازی بر سرشان بیفتد، خرچ تولید را با سرعت و قدرت می‌چرخاندند و نان خیلی از کارگران و خانواده‌هایشان را تامین می‌کردند. قصد مرور همه این شرکت‌ها را نداریم، امکانش هم نیست، منتها ابتدای گزارش قول بررسی شرکت و مجموعه هاشده از چنگال خصوصی سازی به همت دستگاه قضا را داده بودم. حالا نوبت بررسی آن است که ببینیم چه بر سر کشتارگاه جونتان با نام خصوصی سازی آمد. این کشتارگاه در زمینی به مساحت ۱۰۰ هکتار در فاصله حدود ۶۰ کیلومتری شهرکرد مرکز استان چهارمحال وبختیاری قرار دارد. ظرفیت کشتار در این واحد صنعتی دو هزار راس دام سبک و ۲۰۰ راس دام سنگین است. بنابر اطلاعات و اظهارات موجود به علت نبود کشتارگاه صنعتی در این استان، کشتارگاه جونتان توسط دولت در سال ۷۸ احداث شد تا امکان ذبیع بهداشتی و اصولی دام در چهارمحال وبختیاری فراهم شود. ضعف در جانیابی و فاصله زیاد این کشتارگاه با مراکز شهری باعث شد قصابان روی خوشی به آن نشان ندهند و آن طور که انتظار می‌رفت مورد استقبال قرار نگیرد و همان روال سابق ذبیع دام ادامه یافت. کمی بعد و پیرو اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی قرار بر واگذاری این کشتارگاه به بخش خصوصی شد، منتها واگذاری این طرح مانند بسیاری از واگذاری

## یادداشت

### حسین مطلبی

پژوهشگر پژوهشگاه فضای مجازی

روزنامه همشهری در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ یادداشتی را به قلم معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات با عنوان «دنیای تلویزیون سازهای بی‌برنامه» منتشر کرده است که در آن، ایشان دوگانه‌ای را طرح کرده که در آن یا باید به سمت تولید محتوا رفت یا تولید پلتفرم و با بیان عبارتی از این قبیل که «آیا برای رویای پلتفرم سازی ما فرصت و منابع محتواسازی را از دست نمی‌دهیم؟» نتیجه گرفته‌اند که در این دوگانه ما باید به دنبال تولید محتوا باشیم و عملاً سر تسلیم در برابر پلتفرم‌های بزرگ فرود آوریم. در این ارتباط می‌توان به نکاتی چند اشاره کرد:

۱- دوگانه‌سازی یک راهبرد تاریخی برای کسانی است که می‌خواهند یک سوی این دوگانه را به سود خود مصادره کنند؛ دوگانه‌های دین یا دنیا، عقل یا احساس، اقتدار ملی یا ارتباط با دیگران، صنایع نظامی یا کارخانه‌های عمومی و... پاسخ این دوگانه‌ها آری به یک سمت و نه به سمت دیگر دوگانه نیست، پاسخ اینها آری به هر دوی آنهاست. در ایین دوگانه‌ها انتخابی موفق بوده‌اند که یکی را به پای دیگری ذبیع نکرده‌اند. اصولاً دوگانه‌های مذکور در حکم دوپال برای موفقیت هستند و کسانی که یکی را به پای دیگری ذبیع کرده‌اند یا به پرواز در نیامده‌اند یا اگر در هنگام پرواز چنین تصمیمی اخذ کرده‌اند، درجام‌شان سقوط بوده است. پاسخ این پرسش کلیدی آقای ناظمی که «آیا برای رویای پلتفرم سازی ما فرصت و منابع محتواسازی را از دست نمی‌دهیم، این است که «چرا می‌خواهید یکی از اینها را به پای دیگری ذبیع کنید؟» چرا در ذهن شما نمی‌توان این دورا با یکدیگر جمع کرد؟ چرا باید به اسم تولید محتوا دست‌رد به سینه کسانی بزنیم که دارند در عرصه تولید پلتفرم تلاش می‌کنند؟ به لحاظ منطق اقتصادی هم که هم بخواهیم به این مساله نگاه کنیم در یک مدل اقتصادی سالم هم صاحب پلتفرم و هم صاحب محتوی می‌تواند از ارزش پنهانی باند مصرفی و سایر منافع مربوطه منتفع شود (در مدل مفهومی شبکه ملی اطلاعات نیز چنین مطلبی پیش‌بینی شده است)، امری

### نقدی بر دوگانه معاون وزیر ارتباطات:

## پلتفرم یا محتوا؟ توجیه کم‌کاری؛ مساله این است!

تولیدی دارند. تلویزیون در اینجا چیزی در حدگوشی‌های تلفن همراه یا تبلت و حداکثر بخشی از لایه شبکه است.

۲- درجایی از متن آمده است: «فرض کنیم حتی یک پیام‌رسان جامع ایرانی ساخته شد و ما دیوارمان را دنیا کشیدیم... این نگاه به دست خود، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را از جهان حذف می‌کند.» در پاسخ باید گفت قرار نیست ما بین خودمان و دنیا دیوار بکشیم. پلتفرم ایرانی درعین اینکه باید در فضای داخلی رشد و بلوغ یابد باید پس از آن وارد عرصه رقابت جهانی شود. نمونه آن پلتفرم‌های آموزشی ایرانی هستند که در برخی کشورهای دنیا بازار خوبی برای خود دست و پا کرده‌اند. چرا نباید نگاه‌مان را در سطح نخست به یک و یک میلیارد مسلمان بدوزیم و در سطحی دیگر به فارسی‌زبانان جهان و در ادامه نگاهی جهانی داشته باشیم؟! چرا باید دست خود را از این بازار کوتاه کنیم؟ حتی در مصوبه شورای عالی فضای مجازی با موضوع «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» از مهم‌ترین وظایف تعیین شده برای وزارت ارتباطات (که از قضا نویسنده مورد بحث معاون آن وزارتخانه‌اند!) «حمایت‌های لازم به‌منظور گسترش فعالیت پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی به خارج از مرزها، در راستای افزایش اقتدار در فضای مجازی» ذکر شده است. سوال اینجاست که چرا با کوتاه‌اندیشی و خودکم‌بینی ساختن یک پیام‌رسان قدرتمند و جامع ایرانی را مساوی با دیوارکشی با دنیا می‌انگارید؟!

۴- همان‌طور که خود ایشان گفته‌اند: «در دنیای آینده، صرف‌نظر از آنکه دوست داشته باشیم یا نه، قدرت پلتفرم‌های جهانی افزایش پیدا خواهد کرد» و وقتی این را می‌دانیم با چه استدلالی می‌گوئیم دست از تلاش برای پلتفرم‌سازی برداریم؟! چرا باید این عرصه

را رها کنیم تا دیگران بر ما مسلط شوند و بعد به دنبال درمان دردی عظیم باشیم؟ بر اهل فن این عرصه روشن است که علاوه بر ظهور پلتفرم‌های نوین، حتی همین پلتفرم‌های موجود در آینده نقش بسیار گسترده‌تری خواهند یافت. در آینده بعید نیست این پلتفرم‌ها خودشان بستر و مسیر ارتباطی در پلتفرم‌های دیگری همچون پلتفرم‌های اینترنت‌اشیاء باشند. حتی بعید نیست بستر تحققات SIOT هم چیزی به غیر از شبکه‌های اجتماعی فراگیررمان‌شان باشد. واگذاری این عرصه یعنی تصمیمی برای باخت‌های بزرگ در آینده! ۵- نکته پایانی اینکه؛ طنز تلخ ماجرا شنیدن تهاجم به پلتفرم‌سازان از زبان کسی است که در حوزه زیرساخت و تامین پلتفرم مسئولیت دارد! این حرف‌ها را معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات گفته است و نه معاون وزیر فرهنگ و رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی! تاختن مسئولی در حوزه توسعه پلتفرم‌ها به پلتفرم‌سازی، به هیچ‌وجهی جز جلب توجه دیگران از نقطه ضعف خود به سمت دیگران قابل توجیه نیست! تلاش‌های نگارنده در ماه‌های پایانی مسئولیتش، آن‌هم در مقام معاون وزارتخانه‌ای که بیشترین مسئولیت را در زمینه‌سازی برای ایجاد پلتفرم‌های بومی بر عهده داشته است، بیشتر شبیه بازنده‌یک مسابقه ورزشی است که تلاش می‌کند در باب مضرات ورزش برای سلامتی بنویسد! ضمن اینکه واضح است ایشان نگران تولید محتوا نیست، ایشان نگران نمایان شدن لخت بودن پادشاه در حوزه مسئولیتی‌اش است و از این رو این پرسش بجا و در حوزه مسئولیت ایشان را که «در حوزه توسعه پلتفرم‌های بومی چه کرده‌اید؟»، با یک پرسش غلط پاسخ می‌گوید که «آیا اصلاً باید پلتفرم بومی را توسعه داد؟» پرسشی که صرفاً در مقام رفع مسئولیت بیان شده و شوربخانه بیان گفت این تفکر را باید به وزارت ارتباطی تعمیم داد که ایشان مسئولیت معاونتش را برعهده دارد و جد و جهد آن بر ترویج پلتفرم‌های آمریکایی بوده است و در مقابل با همین دیدگاه بر سر پلتفرم‌های بومی کوفته و بر سر ارشاش سنگ انداخته است. روشن است که دغدغه و مساله ایشان نه تولید پلتفرم است و نه حتی تولید محتوا! مساله توجیه کم‌کاری و رفع مسئولیت از وزارت ارتباطات است و لاغیر!